

ب بود و مار یک بود



۱ نذر
۲ نذر در راه
۳ پیرایه و غوغاگر

۴ در حاشیه ما نیز در فضای سایه گریه
به آرامی در سایه ای که این هم از من

تنهایی تنها
گویی حرکت من نکردم نه
پرواز بود و رفتی

و تنهایی
بک بود و مار یک بود

نالغاه و وحشی همیشه
صنایق قلبم را تند تر و تند تر کرد
گام که تمام کند تر و کند تر
راه خانه ام را گم کردم

بگره حقد در راه افتد بودم

خشم زد
می خوانستم فریاد بزم

اما در آن سکوت شبگامی
در دور دست
چه کسی صداه ام مامی شنید
کی به یاری ام می رسد؟

ب بود و مار یک بود
نالغان تو
آرام و دربان
در کنارم بیدارند

نه به طلوع کرد
چرخان که در خواب - یاد بیداری
این در بیداری دیده بودم آن
آه، چه افسوس گفتی
بگره منی است - نجات را با و از
نقاشی کرد!

ند بود و مار یک بود
تا نه به تا نه خورشید نه رفتن و رفتن
نذر، یا آیه؟ ما آن نسخه
فریاد من زد
ساقه های در فضای در باد

ببر و رودخانه جان حما خوردند
تا آن دم به ستاره که نگاه کنم
دیدم دیگر او نبود
و ب بود و مار یک بود

+ + +

۱۳۸۰

راله